

علیزاده: در حال حاضر همه از تنظیم‌گر توقع دارند اما او نه اختیار دارد نه اهرم امکانات و نه اهرم قانونی. به دادگاه شکایت می‌کند، دادگاه قبولش ندارد. دادگاه که می‌گویم دعوی شخصی نیست، دستگاه قضایی است، دستگاه قضایی می‌گوید من طبق دعوی حقوقی جلومی‌روم، نوادعایی داری، مبنای حقوقی را نگاه می‌کنم و می‌بینم چیزی که تومی‌گویی در مبنای حقوقی نیست وارد می‌شود.



است، ما هم همین اشکال را بیان می‌کنیم. خود بنده به عنوان یک معلم ساده، خیلی وقت گذاشتم در این سال‌ها که زودتر به این قانون برسیم. اما در مورد بخش دوم که گفتید یک بخش را حاکم کردیم! حاکم نکردیم. ممکن است اشکالاتی به ساترا بگیرد اما اشکالاتی هم باید به دیگران بگیرد که لوازم کار تنظیم‌گری را ندادند. فقط هم قانون نیست. الان ساترا بخواهد حمایت کند، چگونه؟ شما با تنظیم‌گران سایر کشورهایی که زودتر از ما به این نقطه رسیدند، مقایسه کنید می‌بینید. واحدهای تنظیم‌گری اختیارات و امکاناتی دارند، با بانک‌ها کار می‌کنند که به کسب و کارها کمک کنند، ضمانت اجرایی دارند، حوزه قضائیه یک کشور از آن حمایت می‌کند، حتی حکایت مادی، من صادقه عرض کنم، همین الان تشریف ببرید ساختمان ساترا، نشان می‌دهد که ما به اندازه کافی از آن حمایت نکرده‌ایم. حتی فضای کافی ندارد، حتی منابع انسانی کافی در اختیار ندارد، بودجه کافی که هیچ، حتی ابتداعیات بودجه را هم ندارد.

اصلاح می‌کنم، شاید ساترا را ایجاد کردیم و گفتیم شما بیا اینجا و کار کن اما دست و پایش را بستیم. این اشکال است. به نظرم بخشی از این چالش‌هایی که آقای

علیزاده می‌گویند از همین ناشی می‌شود. خیامی: بله، ایشان درست می‌فرمایند، یعنی ما در سطح نهادهای حاکمیت بایستی به توافق برسیم ولی هنوز نرسیدیم. البته اینجا عرض کنم ما سال ۹۱ تنظیم‌گری هم‌گرا را مطرح کردیم و گفتیم تنها راه است و گریزی هم از آن نیست، عده‌ای مخالف و موافق بودند، اما دوازده سال بعد عین همان کلمات دارد تکرار می‌شود، خوب یا شما بایستی برای کاری وقت بگذارید و بررسی کنید، کشورهای مختلف را مطالعه کنید، مبنای و دانش ارتباطات را بررسی کنید یا اگر نه، چون به صندلی قدرت چسبیدید، اجازه ندادید زیر میز بزنید. ما گرفتار سیاسیون در این حوزه هستیم. من آن زمان نبودیم، ولی گروهی داریم که مرتب اخبار لحظه به لحظه حوزه تنظیم‌گری کشور را می‌فرستند، آنجا چند خبریکی از دوستان انعکاس داد و بعد یکی از بزرگواران نوشت: خیلی جالب است تقریباً همه نهادها یک حرف را می‌زنند؛ همگرایی تنظیم‌گری در عرصه رسانه. سال‌ها زحمت برده تا این اتفاق بیفتد.

آقای علیزاده اگر نکته‌ای دارید بفرمایید اگر نه سؤال بپرسم.

علیزاده: من بحث را از جایی که آقای دکتر نقطه گذاشتند ادامه دهم، که فرمودند همان حرف‌هایی که سال ۹۱ زده شد، الان دوباره می‌زنند. همین اتفاق در حال افتادن است و نکته جالب اینکه این مسیر یکبار طی شده است، به جاهایی رسیده و آن بخش‌اش که مرتبط با حاکمیت است، از دیدگاه من روزنامه‌نگار، دوباره چرخ را از نو اختراع می‌کند. ببینید آقای دکتر درست فرمودند، تنظیم‌گری نیازمند دادن ضمانت‌های اجرا و اهرم‌های اعمال تنظیم‌گری به تنظیم‌گراست، نفس اینکه شما چنین جایگاهی را برای تنظیم‌گر قائل می‌شوید یعنی سطحی و جایی که این موضوع را بررسی و تحلیل می‌کند، به خودی خود باید از امکان قدرت عمودی از بالا به پایین، برای همراهی سایر و جوه و نهادها، در این راستا استفاده کند و آن بحث تنظیم‌گری هم‌گرا را اجرایی و اعمال کند، همه

میدان شما را به عنوان قانون قبول نداشته باشد، چه چالشی به وجود می‌آید؟ چه کاری باید انجام شود؟

خیامی: واحد تنظیم‌گر باید چند اصل داشته باشد، یکی از آن اصول این است که واحد تنظیم‌گر بایستی پشتوانه قانونی دارای ضمانت اجرایی داشته باشد. ساترا این مراحل را باید طی کند، سازمان صداوسیما نه، صداوسیما همه چیزش روشن است، اما برای اینکه یک واحد تنظیم‌گر حتی ارشاد، ببینید این یک وی‌آدی نوپدید است، این مطبوعات نیست، این سمعی بصری به عنوان آنچه قبلاً فهمیده می‌شد نیست، چیز جدیدی است، باید ضمانت‌های اجرایی و قانونی‌اش را داشته باشد، لذا پیشنهاد شورای نگهبان به سازمان صداوسیما این است که فعلاً ساترا در هر حوزه‌ای که موظف است، هرچه که هست، براساس همان تفاهم پنج بندی که با هم دارند، در همان حوزه‌ای که مسئولیت دارد اگر بخواهد توفیق‌اتش کامل شود، فرایندی را که حقوقدان‌ها گفتند بایستی طی کند که بتواند ضمانت اجرایی داشته باشد. مراحل قانونی‌اش اگر طی شود، قاعدتاً مخاطبان و صاحبان کسب و کار باید تبعیت لازم را داشته باشند و اگر اختلافی هم هست، در جای بالاتری قابل پیگیری است.

شایعه‌ای ایجاد کرده بودند که یکی از این پلتفرم‌ها دفتری در خارج از کشور دارد و تهدید کرده که اگر نظرم تأمین نشود...

خیامی: تا جایی که ما پلتفرم‌ها را می‌شناسیم و با آنها ساعت‌ها گفت‌وگو مستقیم داشتیم، عموماً شخصیت‌های ایران دوست، وطن دوست و دلسوز هستند، اهل گفت‌وگو هستند، و این جزو توفیقات نظام جمهوری اسلامی است که این بازار به وجود آمده است، من امسال به رستارتم و بازدید داشتم، غرفه‌ها بیش از دوبرابر شده است، رفتم و با برخی از صاحبان کسب و کار گپ و گفت کردم، روال همانگونه که فرمودید رو به توسعه است، این جزو افتخارات ماست، زمانی مخاطبان ما در شبکه‌های ماهواره‌ای سریال‌هایی می‌دیدند که حقیقتاً قابل دفاع نبود، یادمان نرود شبکه‌های ماهواره‌ای محتوای فوق‌العاده متفاوت پخش می‌کردند و خود خانواده‌ها به رغم سبک زندگی شان آنها را پس زدند. آمارها را من دارم. خود خانواده‌ها و جامعه این آگاهی را دارند، با وجود سلیقه‌های مختلفی که در جامعه داریم عموماً سریال‌های ماهواره‌ای را پس می‌زنند. امروز بسیاری از محتواهای نمایشی که مردم ما می‌بینند تولیدات همین سکوها ماست؛ حتی شبکه‌های ماهواره‌ای هم همین سریال‌ها را پخش می‌کنند، این یک گام به جلو است، یک فرصت محسوب می‌شود و قابل دفاع است. تنظیم‌گران ما، صاحبان کسب و کار، کنشگران ما، حاکمیت، قانون، قوه قضائیه، نیروی انتظامی، باید فرصت دهیم همه یکدیگر را ببینند و اختلافاتی که وجود دارد، رفع شوند.

آقای دکتر شما گفتید اگر قرار است توفیقات تنظیم‌گر در این عرصه زیاد شود، نیازمند مشروعبیت و پشتوانه قانونی است. در حال حاضر، تازه بعد از یک دهه، فرایند قانونی این کار دارد به سرانجام می‌رسد، این اشکال نیست که ما هنوز قانون منسجم مورد توافق طرفین نداشته‌ایم و یک مجموعه را بر سر نوشت عده‌ای حاکم کردیم؟ این اشکال از کجاست؟

خیامی: بخش اول که درست است، اشکال

این اتفاقات در مملکت یکبار طی شده است و در شورای عالی فضای مجازی برای اینها صحبت شده، آنجا یک کمیسیون تنظیم مقررات در نظر گرفتند، می‌خواهم بگویم جایی که قبلاً بوده کارشناسان امر نشسته‌اند (کنشگران حاکمیتی ماجرا) تفاهم‌ها و وعه‌هایی کردند و به سندی رسیدند، آن سند منجر به ایجاد ساختاری در شورای عالی فضای مجازی شده که اگر اشتباه نکنم امضای رهبری را هم دارد. آن ساختار، ساختاری بوده با عنوان کمیسیون عالی تنظیم مقررات که قرار بود قرارگاه واحد تنظیم‌گری رگولاتوری فضای مجازی باشد، برای همه نوع داده، اعم از اطلاعات، صوت، تصویر و هر نوع داده دیگر که بستر انتشارش قرار بوده فضای مجازی باشد. آنجا در حقیقت قرارگاه فرماندهی، اگر لفظ فرماندهی درست باشد، عطف اصلی تنظیم‌گری فضای مجازی بوده و نهاد بالادستی همه این نهادها. چه اتفاقی می‌افتد؟ من برخلاف خوش بینی که آقای دکتر دارند، می‌گویم بررسی دوباره این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصداق همین تشویش‌هاست، چرا؟ چون این موضوعات یکبار طی و بررسی شده، ساختار برای آن تعریف شده، حدود و اختیارات طراحی شده، اما دوباره همه آنها را کنار گذاشتیم و گفتیم شورای عالی انقلاب فرهنگی بیا و وارد این فضا شود و حدود آن تعیین کند.

تعارف نداریم، اینها هم چیزهایی نیست که بان‌شاءالله ماشالله حل شود، اگر قرار است این گونه جلو رود، چه ضمانتی است که همین اتفاقی که برای شورای عالی فضای مجازی افتاده، بماند که شورای عالی انقلاب فرهنگی شأنی برای رسیدگی به این موضوع را دارد یا ندارد، که طبق اسناد بالادستی تشکیل شورای عالی فضای مجازی، که یکی دو مورد هم متن مکتوب رهبری هستند، شئون تنظیم‌گری و شئون مقررات‌گذاری و فکر کردن اینها، در حوزه شورای عالی فضای مجازی است نه شورای عالی فرهنگی، اینها را می‌گذاریم کنار. من می‌گویم اگر این اتفاق هم بیفتد چه ضمانتی است که دولت باز عوض می‌شود، رئیس صداوسیما عوض می‌شود، دوباره باز این هم که در شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث شده، بگذاریم کنار و دوباره از نو، مثلاً ۱۴۱۰ باید و باز در همان گروه آقای دکتر، کسی بیاید و بگوید همان حرف‌های سال ۱۴۰۱ زده می‌شد که تکرار حرف‌های سال ۹۱ بود، دوباره گفته می‌شود. این اتفاقی که

می‌افتد از مصادیق تشویش است. شما هرگونه که نگاه کنید، به مأموریت شورای عالی فضای مجازی، به حدود و صغور

اختیاراتش نگاه کنید، به ماهیت فضای میدان نگاه کنید که قرار بود مقررات‌گذاری و فضای رگولاتوری منتشره در فضای مجازی، هرگونه که نگاه کنیم، جاییش آنجا بوده، دوستان هم قدمی هم رفتند جلو و سندی که به گمانم در سال ۱۴۰۱ تصویب شده، در واقع بررسی مجدد شده و تکمیل تراست، سند را که می‌خوانیم، دعوای الان که وجود دارد تقریباً در آن ساختار قائل حل و تحلیل است، آن ساختار را به هر دلیل کنار می‌گذاریم، که ارشاد و صداوسیما با هم تفاهم کردند و همان تفاهم را جلوتر آوردیم، اما اگر پس فردا باز دعوای شورای بعدی رئیس صداوسیما و وزیر ارشاد، دوباره این را کنار بگذاریم؟

تبدیل به قانون می‌شود دیگر!

علیزاده: الان هم قانون است، مصوبات شورای عالی فضای مجازی هم در حکم قانون است، مشابه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. خود این ماجرای که اتفاق می‌افتد به نظر من مصداق تشویش است، مضاف بر اینکه شما اگر بخواهید اختیارات به تنظیم‌گر بدهید که باید هم بدهید، در حال حاضر همه از تنظیم‌گر توقع دارند اما او نه اختیار، نه اهرم امکانات و نه اهرم قانونی دارد. به دادگاه شکایت می‌کند، دادگاه قبولش ندارد. دادگاه که می‌گویم دعوی شخصی نیست، دستگاه قضایی است، دستگاه قضایی می‌گوید من طبق دعوی حقوقی جلومی‌روم، نوادعایی داری، مبنای حقوقی را نگاه می‌کنم و می‌بینم چیزی که تومی‌گویی در مبنای حقوقی نیست وارد می‌شود، این یعنی آن اختیارات لازم را ندارد. داشتن اختیارات و اعمال آن، جایگاهی و سطحی می‌خواهد، ساترا که هیچ، باید فراتر از صداوسیما باشد. خیلی وقت‌ها پلتفرم‌ها گردنکشی می‌کنند، مگر مجبور کردن پلتفرم برای اینکه تن به معیارها و حدود و صغور قانونی خودش بدهد، لزوماً از راه دعوای دادگاه و فیلترینگ می‌گذرد؟ به عنوان مثال آقای دکتر وزارت ارتباطات از طریق یک نهاد بالادستی موظف شود پهنای باند این پلتفرم را نصف کند یا یک سوم کند، این راه حل مدنی تری نیست، این زودتر جواب می‌دهد یا دادگاه؟ هزینه کدام کمتر است؟ این همان اهرم قانونی

علیزاده: در حوزه واردات محتوای صوت و تصویر که تحت صدور مجوز ساترا هم اتفاق می‌افتد، هرکدام از این پلتفرم‌ها، چون همه هم توانایی فیلم و سریال را ندارند، درگاه‌های ارائه محتوای غیربومی را تحت فرایند حاکمیتی افزایش می‌دهند.